

خلیج فارس

در برشی تاریخی از کتاب های قرن ۱۹ میلادی کتابخانه کنگره آمریکا

^۱ احمدرضا متولی

^۲ عباس بوری

چکیده

نام خلیج فارس در سال های اخیر با چالش هایی مواجه گردیده که غیرواقعی و بیشتر بر اساس احساسات سیاسی ناشی از عصبیت های قومی و دور از واقعیت های تاریخی بوده است. نویسندگان در پژوهش خود، آثار تألیف شده در قرن ۱۹ میلادی موجود در کتابخانه کنگره آمریکا را بررسی کرده و از آن میان برکتی که هر یک به فراخور محتوا به این منطقه دریایی پرداخته، تمرکز کرده اند. آنها در این تحقیق که به شیوه توصیفی-تحلیلی انجام شده، به نتایجی دست یافته اند. نخست: آنچه تحت نام خلیج عربی مطرح می شود، معادل دریای سرخ است که طبق اسناد، به مرزهای کشورهای حاشیه دریای مذکور محدود می شود؛ دوم: خلیج فارس و خلیج عربی بر اساس اسناد مذکور، دو موقعیت جغرافیایی کاملاً متمایز هستند؛ سوم: از نام خلیج فارس در قرون گذشته و در آثار ادبی و سفرنامه ها و در نتایج تحقیقات مورخان و جغرافی دانان، به وفور استفاده شده است.

واژگان کلیدی:

خلیج فارس، کتابخانه کنگره آمریکا، قرن ۱۹ میلادی، برشی تاریخی.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۳/۰۷ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۰۶/۲۵

^۱ استادیار گروه تاریخ و تمدن اسلامی دانشگاه پیام نور motavalli_a_r@yahoo.com

^۲ کارشناس ارشد تاریخ تشیع، گروه معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد bouri@um.ac.ir

نام خلیج فارس در سال‌های اخیر از سوی کشورهای منطقه در سطح بین‌المللی با چالش‌هایی مواجه شده که بیشتر سیاسی، تبلیغی و احساسی بوده و بر اساس پژوهش‌ها، غیرواقعی و بر احساسات سیاسی ناشی از عصبیت‌های قومی و دور از واقعیت‌های تاریخی استوار گردیده است. به‌ویژه از ۲۵ ماه می سال ۱۹۸۱ م. که شورای همکاری کشورهای منطقه خلیج فارس تحت عنوان "مجلس التعاون لدول الخلیج العربیه" در ریاض اعلام موجودیت کرد، تلاش‌های گسترده‌ای در راستای القای بین‌المللی مفهوم "خلیج عربی" صورت گرفته که اگر چه به لحاظ تاریخی معتبر نبوده، اما بررسی و جستجوی اولیه در صفحات اینترنت نشان می‌دهد که آن تلاش‌ها ناموفق هم نبوده است؛ زیرا در مقایسه دهه اول تشکیل شورای مذکور و دهه اخیر در موتورهای جستجو ملاحظه می‌شود که عبارت "Arabian gulf" نسبت به عبارت "Persian gulf" از رشد ۳٫۷ برابری برخوردار بوده^۱ که مقداری زیاد است و مخصوصاً وقتی این تکرار و تبلیغ گسترده، جهانی شده و به راست‌نمایی کاذب یک عبارت جعلی و تحریف شده هدایت شود، نگران‌کننده هم هست؛ با این وصف، نه در اندرون مرزهای جغرافیایی خود که در خارج از آنها باید مستدل، بر حق "خلیج فارس" پای فشرد و جهت تثبیت و اشاعه بین‌المللی آن کوشید و با فرایندی ناشی از استدلال با اسناد اصلی خارجی و مورد پذیرش به لحاظ بین‌المللی بر چالش‌ها توفیق یافت.

هر چند بر اساس مقایسه مذکور استفاده از عبارت "Arabian gulf" در محافل بین‌المللی، سیاسی و رسانه‌ای نسبت به عبارت "Persian gulf" از رشد بیشتری برخوردار بوده، اما در تحقیقات علمی، دانشگاهی و بین‌المللی همچنان نام واقعی تاریخی این منطقه، یعنی عبارت "Persian gulf" است که جلوه می‌کند^۲ و همین نکته مهم است که به پژوهش‌های تاریخ محور،

۱. در موتور جستجوی گوگل انگلیسی. بازه دهه اول بعد از تشکیل شورای همکاری کشورهای خلیج فارس - جستجوی عبارت "Persian gulf" به ۸۶۶۰ نتیجه و عبارت "Arabian gulf" به ۱۳۰۰ نتیجه منجر شده است؛ همین جستجو در دهه اخیر در مورد عناوین مذکور به ترتیب ۱۷۸۰۰۰۰ و ۹۸۶۰۰۰ نتیجه است؛ یعنی عبارت "Persian gulf" ۲۰۵ برابر و عبارت "Arabian gulf" ۷۵۸ برابر دهه اول، در جستجوهای افزایش داشته اند؛ بنا بر این نتیجه، عبارت "Arabian gulf" نسبت به "Persian gulf"، ۳٫۷ برابر رشد داشته است.

۲. سازمان اطلاعات مرکزی ایالات متحده دونقشه یکی در مورد خاورمیانه که به کشورهای خلیج فارس پرداخته و در سال ۱۹۹۱ م. تهیه شده و دیگری مربوط به نفت و گاز خاورمیانه که در سال ۲۰۰۷ م. فراهم گردیده، در آرشیو کتابخانه کنگره قرار داده و هر دو در دسترس است. بر روی هر دو نقشه عبارت Persian Gulf نقش بسته است؛ اولی

برای مقابله با دیدگاهی جعلی و تحریف شده، جهتی هر چه علمی تر می دهد و به این وسیله، استواری نتایج، ارزش بیشتری می یابند. لذا نویسندگان در این پژوهش، آثار به وجود آمده در قرن ۱۹ میلادی - موجود در کتابخانه کنگره آمریکا - را که در دسترس بوده،^۱ بررسی کرده و از آن میان، تحقیق خود را بر کتبی تاریخی، جغرافیایی و ادبی که هر یک به فراخور محتوا به این منطقه دریایی پرداخته یا به آن اشاره داشته و راهگشای موضوع بوده متمرکز کرده اند. بررسی آثار قرن ۱۹ میلادی به این دلیل بوده که اولاً منابع در دسترس و قابل استفاده به صورت برخط^۲ برخط^۲ در این کتابخانه، از سال ۱۸۰۰ میلادی به بعد را شامل می شده، ثانیاً این آثار از قدمت بیشتری نسبت به آثار پس از خود (یعنی از ۱۹۰۰ تا ۲۰۱۸ م.) برخوردار بوده و تاثیر تاریخی و ارزش استنادی بیشتری داشته اند و نیز مهم تر اینکه محدودیت پژوهش در قالب یک مقاله، مجال بیش از این دوره زمانی به یک مقاله نمی داده است؛^۳ آنها نشان داده اند که:

- ۱) خلیج فارس در قرون و اعصار گذشته از چنان جایگاه متمایزی برخوردار بوده که در آثار ادبی شعرا و نویسندگان، در سفرنامه های سیاحان و در نتایج تحقیقات مورخان و جغرافیدانان، از این نام که نشان دهنده منطقه جغرافیایی دریایی متمرکز بر مرزهای جنوبی ایران فعلی و چند کشور همسایه اش است، به وفور استفاده شده و مواردی که در تمام این آثار به خلیج عربی با همین نام اشاره شده، به وضوح منظور دریای سرخ بوده است.
- ۲) آنچه تحت نام خلیج عربی مطرح می شود، در اسناد تاریخی و جغرافیایی معادل دریای سرخ است که بر اساس همان اسناد به مرزهای کشورهای یمن، عربستان، اردن، فلسطین، مصر، سودان، اریتره و جیبوتی محدود می شود.

متعلق به ۱۰ سال و دومی متعلق به ۲۶ سال پس از اعلام موجودیت "مجلس التعاون لدول الخلیج العربیه" است و نشان دهنده بی توجهی به اقداماتی است که نسبت به نام خلیج فارس صورت می گیرد.

۱. در تمامی قالبها ۱۰۳۳۴ مورد، وجود داشته که از این تعداد ۵۶۱۷ مورد آن به صورت برخط در دسترس هستند؛ این تعداد، ۶۱۷ عنوان کتاب را در خود جای داده است. از مجموعه اخیر ۲۰۴ عنوان کتاب از سال ۱۸۰۰ تا ۲۰۱۸ م. در دسترس است؛ از عناوین اخیر ۳۵ عنوان کتاب متعلق به ۱۸۹۹ - ۱۸۰۰ م.، ۱۰۰ مورد متعلق به ۱۹۹۹ - ۱۹۰۰ م. و ۶۹ اثر نیز متعلق به ۲۰۱۸ - ۲۰۰۰ م. است؛ کتب بررسی شده در این پژوهش، ۳۵ مورد بوده که متعلق به سال های ۱۸۹۹ - ۱۸۰۰ م. (قرن نوزدهم میلادی) است.

۲. online

۳. در پیشنهادات پایان مقاله آمده است که به همین شیوه کتب سال های ۱۹۰۰ تا ۲۰۱۸ م. مستقلاً در همین مورد بررسی شوند.

۳) خلیج فارس و خلیج عربی بر اساس اسناد مذکور در دو موقعیت جغرافیایی کاملاً متمایز و جدا از هم قرار گرفته‌اند.

پیشینه بررسی نشان می‌دهد که در مورد خلیج فارس به زبان فارسی، پژوهش‌های زیادی در قالب همایش و مقاله صورت گرفته و کتبی نیز به چاپ رسیده است، اما آنچه این تحقیق را متمایز می‌کند، استناد به منابع اصلی و به زبان انگلیسی بوده که تاکنون به این شیوه بررسی نشده و بی‌هیچ مشابهتی، کاری تکراری صورت نگرفته است.

خلیج فارس

جان هلند^۱ در کتاب *طرحی از جغرافیای باستانی*، وقتی نام‌های باستانی و جدید دریاها، خلیج‌ها و تنگه‌های اصلی را درج می‌کند، خلیج فارس را نام جدید سینوس پرسیکوس^۲ باستانی ذکر می‌نماید که باز هم به پارس اشاره دارد و مفهوم خلیج فارس را می‌رساند (Holland, 1814: 68). ساموئل آگوست میشل^۳ در کتاب *جغرافیای باستانی خود*، موقعیت پارس را با توجه به وضعیت جغرافیایی خلیج فارس، این گونه تصویر می‌کند:

پرسیا یا پرسیس، کشور اصلی پارس بود و متعلق به یکی از امپراتوری‌های بزرگ تاریخ باستان بود؛ این منطقه، شمال شرقی خلیج فارس را در اختیار داشت و توسط مدیا^۴، سوسیانا^۵ و کارمانیا^۶ احاطه شده بود (Mitchell, 1863: 44-45).

سان فورد نیلز^۷، همان موقعیت را در کتاب *جغرافیای مقدماتی نیلز* به این صورت نشان می‌دهد:

¹. John Holland

². Sinus Persicus

³. Samuel Augustus Mitchell

⁴. Media; [https://en.wikipedia.org/wiki/Media\(region\)](https://en.wikipedia.org/wiki/Media(region));

در پارسی قدیم، مدا و در پارسی میانه، ماد منطقه‌ای از شمال غربی ایران بوده که بیشتر به دلیل داشتن پایگاه سیاسی و فرهنگی مادها شناخته می‌شد و در طول دوره هخامنشی، آذربایجان امروز، کردستان ایران و غرب تبرستان را در بر داشته است.

⁵. Susia'na; <https://en.wikipedia.org/wiki/Elam>;

در اصطلاحات جغرافیایی، سوسیانا، نشان‌دهنده استان ایرانی خوزستان در اطراف رودخانه کارون بوده است؛

⁶. Carmania; [https://en.wikipedia.org/wiki/Carmania_\(region\)](https://en.wikipedia.org/wiki/Carmania_(region));

کرمانیا منطقه‌ای تاریخی است که تقریباً منطبق با استان امروزی کرمان و یکی از ایالت‌های هخامنشی، سلوکی، اشکانی و امپراتوری ساسانی بوده است.

⁷. Sanford Niles

پرسیا یا پرسیس، بین دریای خزر و خلیج فارس قرار می گیرد (Niles, 1885: 54).
و هنری مک کورمیک^۱، جهات جغرافیایی سرزمین ایران را در کتاب *کار عملی در جغرافیا*
چنین نشان می دهد:

سرزمین ایران به سمت غرب از فلات مرکزی تا سواحل غرب آسیای صغیر گسترش می یابد؛
بخش عمده آن شرق خلیج فارس است و در شمال به وسیله کوه های هندوکوش محدود می شود.
ارتفاع متوسط آن ۵۰۰۰ فوت است (McCormick, 1885: 261).

علاوه بر جهات جغرافیایی، ریچارد مید^۲ در کتاب *اقیانوس*، آنجا که از جزر و مد آب ها
می گوید، به این پدیده آبی در خلیج فارس هم اشاره می کند:

ارتفاع جزر و مد در دماغه خلیج فارس به سی و شش فوت می رسد و در تنگه ماژلان^۳ تا
شصت و شش فوت افزایش می یابد (Mayde, 1876: 85).

و توماس مور^۴ هم در کتاب *لاله رخ یا رمان شرقی خود*، یکی از بزرگ ترین عجایب
خلیج فارس را معرفی می کند:

یکی از بزرگ ترین عجایبی که در خلیج فارس پیدا شده، یک ماهی است که در انگلیسی
"ستاره ماهی" نامیده می شود. این ماهی، دایره ای است و در شب بسیار درخشان است. شباهت
به ماه کاملی دارد که اطرافش را اشعه احاطه کرده است (Moore, 1890: 318).

علاوه بر شرح موقعیت پارس با توجه به ناحیه جغرافیایی خلیج فارس و موارد دیگری که
ذکر شد، کتب و منابع جغرافیایی متنوعی که بیشتر به موضوعات آموزشی پرداخته اند، در مبحث
مربوط به خلیج ها این سؤال را که "خلیج فارس کجاست؟" مطرح کرده و گاه با تأکید بر توجه به
نقشه، قصد آموزش موقعیت جغرافیایی این منطقه را داشته اند؛ از جمله جس اولنی^۵ در
کتاب های یک سیستم عملی از جغرافیای مدرن (Olney, 1830: 174) و جغرافیای مدرسه اولنی
(Olney, 1855: 226)، رزول اسمیت^۶ در کتاب *جغرافیای اسمیت* (Smith, 1836: 223)، ویلیام
وارن^۷ در کتاب *دیدگاه سیستمی جغرافیا* (Warren, 1843: 20, 105) و ساموئل آگوست میشل در

1. Henry McCormick

2. Richard Mayde

3. Magellan

4. Thomas Moore

5. Jesse Olney

6. Roswell C Smith

7. William Warren

کتاب *جغرافیای مدرسه میشل* (Mitchell, 1850: 279)، هر یک سؤال "خلیج فارس کجاست؟" را مطرح کرده‌اند. همچنین ویلیام بنتلی فول^۱ در کتاب *جغرافیای مقدماتی* (Fowle, 1849: 64) در مبحث خلیج‌ها، به طرح عین عبارت "خلیج فارس" پرداخته‌است؛

نویسندگان دیگری نیز متناسب با مباحث آموزشی که طرح کرده و موقعیتی که به این وسیله شرح داده‌اند؛ هر یک به فراخور موضوع، از خلیج فارس نام برده‌اند؛ سارا ال‌هال^۲ در کتاب *مکالمات در کتاب مقدس*، سؤالی را در مورد باغ عدن که در گفتگویی میان یک مادر و دختر رخ داده، پاسخ می‌دهد:

کاترین^۳: باغ عدن در کجا قرار داشت؟ مادر: عدن کشوری بسیار حاصلخیز در کلد^۴ بود، از خلیج فارس دور نبود و بین آنچه اکنون بغداد و بصره نامیده می‌شود، قرار داشت؛ (Hall, 1927: 20) و نیز ساموئل آگوست میشل، وضعیت جرّ^۵ در خلیج فارس را در کتاب *جغرافیای مدرسه میشل*، چنین به تصویر می‌کشد:

گفته می‌شود که در جرّ یا جرهاء، در خلیج فارس، دیوارها و برج‌ها از سنگ نمک ساخته شده‌اند (Mitchell, 1857: 35).

همچنین از شهرها، بندرها، کشورها، تنگه‌ها و رودخانه‌ها سؤالاتی طرح می‌شود که متناسب با موقعیت خلیج فارس عبارتند از:

چه شهرهایی در خلیج فارس قرار دارند؟ (Mitchell, 1863: 36)

کدام بندر دریایی در خلیج فارس است؟ (Olney, 1830: 178)

سوریه در کدام مسیر از خلیج فارس قرار داشت؟ (Goodrich, 1851: 21)

چه تنگه‌ای بین خلیج فارس و خلیج هرمز است؟ (Olney, 1830: 35)

دو رودخانه‌ای که به هم می‌پیوندند و به خلیج فارس می‌ریزند، چه هستند؟ (Olney, 1830: 35; Smith, 1836: 55)

با توجه به نقشه، چه رودخانه‌ای به خلیج فارس می‌ریزد؟ (Mitchell, 1850: 283)

¹. William Bentley Fowle

². Sarah L Hall

³. Catherine

⁴. Chaldea

⁵. Ger'ra

اما تجارت دریایی و صیادی به ویژه صید مروارید در خلیج فارس از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و به همین دلیل در منابع مختلف به شیوه‌های گوناگون از آن و از آداب صیادی مردمی که در این منطقه ساکن بوده‌اند، یاد شده است؛ در همین مورد جی وسلی وان در ورت^۱ در کتاب *دنیای آب* از توره‌های صیادی مردم سواحل خلیج فارس چنین می‌گوید:

آریان^۲، در *تاریخ هندوستان* خود، از مردمی در سواحل خلیج فارس یاد می‌کند که تورهایی داشتند که قادر به پوشاندن یک چهارم مایل از دریا بودند، این تورها از ریسمان نخی ساخته نشده، بلکه از پوست درونی درختان نخل که در واقع به توره‌های پاپیروسی شباهت داشتند، ساخته شده بودند (Van Dervoort, 1883: 183).

میشل در کتاب خود، صید مروارید را از خلیج فارس می‌داند:

مروارید در سواحل خلیج فارس به دست می‌آید (Mitchell, 1850: 285).

و هنری مک کورمیک، صیادی ارزشمند مروارید را در کتاب *کار عملی در جغرافیا، محصول خاص خلیج فارس* ذکر می‌کند:

خلیج فارس بین ایران و عربستان و صیادی ارزشمند مروارید از آن است (McCormick, 1885: 110).

هم او به بحرین در خلیج فارس و به مسقط در ورودی آن اشاره دارد:

جزیره بحرین در خلیج فارس مرکز صنعت است و مسقط پایتخت عمان، در ورودی آن قرار دارد (McCormick, 1885: 282).

جی وسلی وان در ورتدر کتاب *دنیای آب*، ضمن اینکه خلیج فارس را تولیدکننده ذخیره فراوانی از جواهرات اقیانوس ذکر می‌کند، یادآوری می‌نماید که ایرانیان غواصی در خلیج فارس را خاص خود می‌دانند:

صیادی مروارید در جزایر بحرین، در خلیج فارس، ذخیره بسیار فراوانی از جواهرات اقیانوس را تولید می‌کند. تولید یک فصل دو ماهه تقریباً معادل پانصد هزار دلار با پول ماست. ایرانی‌ها عمدتاً درگیر تعقیب غواصان هستند و غواصی در خلیج فارس را متعلق به کشور خود می‌دانند (Van Dervoort, 1883: 92).

^۱. J. Wesley Van Dervoort

^۲. Arrian

هم او در بخش دیگری از کتاب خود، خواص مروارید شرقی را ذکر می‌کند و خلوص و غنای بسیار زیاد مرواریدهای خلیج فارس را یادآور می‌شود:

زیباترین و ارزشمندترین مرواریدها از شرق به دست می‌آیند و "مروارید شرقی" نامیده می‌شوند. رنگی آن‌ها در سیلان یافت می‌شود و به طور کلی سفید نقره‌ای مایل به آبی است، اما با چندین رنگ دیگر نیز دیده می‌شوند. مرواریدهای خلیج فارس از خلوص و غنای زیادی برخوردار هستند. (Van Dervoort, 1883: 94)

اما صید ارزشمند مروارید برای صیادان در هر نقطه دریایی همواره با خطراتی اعم از هوای نامساعد یا هیولاهای دریایی رو به رو بوده و صیادان برای رویارویی با مخاطرات صیادی از شیوه‌هایی استفاده می‌کرده‌اند. وان در ورت در بخشی دیگر از کتاب خود به شرح این رویارویی و شیوه مقابله با این خطرات دریایی برای صیادان پرداخته‌است:

خلیج مانار^۱، جایی که مروارید یافت می‌شود (و سیلان را در شمال غربی از هندوستان جدا می‌کند)، کوسه‌ماهی‌های فراوانی دارد و با این حال، غواصان ممکن است زندگی خود را در معرض خطر ببینند، خطرات هیولاهای دریایی، با تعداد غیرمعمول قایق‌ها، سر و صدای خدمه و کاهش تعداد سبدهای صدف کم می‌شود. بدیهی است که پوست تیره غواصان نیز تا حدودی از آن‌ها محافظت می‌کند. به نظر می‌رسد که غواصان مروارید در خلیج فارس در زمان‌های گذشته، از این خاصیت رنگی آگاه بوده‌اند، زیرا آن‌ها عادت کرده بودند که اندام خود را سیاه کنند تا دشمن قدرتمند خود را گمراه نمایند. (Van Dervoort, 1883: 91)

اما همه تجارت دریایی در خلیج فارس به صیادی و صید مروارید محدود نمی‌شد و این ناحیه جغرافیایی، ناحیه عبور کاروان‌های تجاری دریایی نیز بوده و بریتانیا هم علاوه بر اهداف سیاسی در معاملات تجاری دست داشته است. برخی از جمله در کتاب *رمان سفر*^۲ که به توصیف رفتارها، آداب و رسوم و مکان‌ها در کشورهای مختلف پرداخته و در آن از خلیج فارس به عنوان مسیر کاروان‌های تجاری یاد نموده، گذرا به آن‌ها اشاره کرده‌اند:

کالاهای بریتانیا در حال حاضر جای بسیاری از محصولات بومی و داخلی دمشق را گرفته است و بسیاری از کالاها که از خلیج فارس و هند وارد شده و توسط کاروان‌های بغداد به

^۱. Manaar

^۲. نویسنده این کتاب مشخص نیست و تنها بر روی جلدش نوشته شده: به وسیله مسافر قدیمی؛

این شهر می‌رسیدند، اکنون مستقیماً از لندن و لیورپول به بیروت وارد می‌شوند (1855: --).
(165-166)

رقابت بریتانیا و روسیه در خلیج فارس برای ایجاد خط آهن به منظور سهولت تعاملات تجاری خود بین شرق و غرب، اهمیت تاریخی این ناحیه را می‌رساند؛ هنری بالتازار میر^۱ نیز در کتاب *تاریخچه قانونگذاری اولیه راه آهن در ویسکانسین* به شرح این رقابت پرداخته است: در حال حاضر، بحث در مورد راه آهن بریتانیا به هند از جهت ظرفیت و جدیت آن افزایش یافته است؛ روسیه ۲۵۴ خط آهن در مسیر سیبری و چین و از طریق آسیای مرکزی به مرز چین کشیده که ظاهراً حسادت بریتانیا را برانگیخته است؛ با سرمایه‌گذاری جدید بر روی پروژه هند-بریتانیا، انگیزه‌ای اضافی ایجاد گردیده که روسیه را برای ایجاد شعبه‌ای از خط آسیای مرکزی خود از طریق جنوب ایران به خلیج فارس، تحت فشار و شتاب قرار داده است. (Meyer, 1898: 53)

علاوه بر این‌ها، در ادامه متناسب با مباحث مطرح شده در منابع، از شهرها، تمدن‌ها، نام‌ها و رودهایی یاد شده که هر یک به گونه‌ای در تاریخ خود، همنشین این خلیج شده یا با نوای خروشان او همراهی کرده است و نیز در ادبیات، آنجا که شعری یا رمانی این نام را در خود جای داده و به این وسیله تاریخی شده یا بخشی از تاریخ را همراه خود کرده، از آن شعر و رمان هم یادی گردیده تا حق آن‌ها هم ادا شود، اما از مباحث طولانی که در راستای پژوهش نبوده یا هدف آن را تأمین نمی‌کرده، پرهیز گردیده و گاه تنها به اشاره‌ای بسنده شده است.

شهرها

ساموئل آگوست میشل در کتاب "جغرافیای باستانی" خود به شرح سوسیانا می‌پردازد و در طرح موقعیت جغرافیایی‌اش از خلیج فارس هم نام می‌برد:

سوسیانا در شرق بابل قرار داشت و به وسیله رودخانه دجله از آن جدا می‌شد، از سمت شرق به پرسیا و از سمت جنوب به خلیج فارس محدود بود. این ناحیه، استان مهمی از امپراطوری پارس بود و ناحیه‌هایی از الیمایس و سیسیسیا را در برمی‌گرفت؛ (Mitchell, 1863: 47)

هم او در کتاب *جغرافیای مدرسه میشل*، برخی از شهرهای پارس را به طور مشروح مطرح می‌کند و به برخی اشاره می‌نماید:

¹. Balthasar Henry Meyer

رشت، بندر اصلی دریای خزر و بوشهر در خلیج فارس است؛ (Mitchell, 1850: 287) علاوه بر آگوست میشل، جس اولنی نیز در کتاب *جغرافیای مدرسه اولنی*، وضعیت جغرافیایی شهر اصفهان را با توجه به فاصله مکانی از موقعیت خلیج فارس و دریای خزر نشان می‌دهد:

اصفهان، پایتخت باستانی ایران که پیش از این، یکی از پُرزرق و برق‌ترین شهرهای شرق بوده، در زنده‌رود واقع شده است، این شهر تقریباً در وسط راه و بین دریای خزر و خلیج فارس قرار گرفته است (Olney, 1855: 232).

آن‌ها به این ترتیب، اهمیت و قدمت این مناطق را هم نشان می‌دهند.

تمدن‌ها

تمدن‌ها در منابعی که بررسی شده و بیشتر به لحاظ موقعیت جغرافیایی ویژه آن‌ها، از جایگاه خاصی برخوردار بوده، هر یک حکایت‌های مفصلی داشته‌اند؛ ویلیام پاتون^۱، ساموئل گودریچ^۲، توماس مک‌گرادی^۳، ساموئل آگوست میشل و چارلز راندال بارنز^۴ با طرح هر یک، چون از جایگاه منطقه‌ای، نسل‌ها، قبایل، پادشاهی یا حکومت هر کدام سخنی به میان آورده‌اند، به تناسب از خلیج فارس هم نام برده‌اند؛ ویلیام پاتون در کتاب *اصول کتاب مقدس از کلدانیان در منطقه خلیج فارس* یاد می‌کند:

نخستین ظهور قدرت کلدانیان در منطقه‌ای نزدیک به خلیج فارس بود (Patton, 1879: 326) ساموئل گودریچ در کتاب *تاریخ مدرسه عمومی پیتر پارلی* از آشور و مرزهایش در شمال خلیج فارس می‌گوید:

آشور^۵ از اولین ملت‌های زمین بود؛ مرزهایش در زمان‌های مختلف، متفاوت بوده، اما مکانش بر روی نقشه می‌تواند در مجاورت دو رودخانه دجله و فرات، در شمال خلیج فارس دیده شود (Goodrich, 1851: 21).

¹. William Patton

². Samuel G Goodrich

³. Thomas McGrady

⁴. Charles Randall Barnes

⁵. Assyria

توماس مک گرادی در کتاب *دو پادشاهی*، از تمدن سه هزار ساله سوریه و نسل‌هایی که در سواحل مرزهای خلیج فارس سکنی گزیدند، با عظمت و افتخار یاد می‌کند:

نسل‌هایی که دشت‌های حاصلخیز سوریه را آباد کردند و سه‌هزار سال پیش، در سواحل دجله و در مرزهای خلیج فارس، در شکوه شاهانه‌ای سکنی گزیدند، هرگز در خواب هم نمی‌دیدند که ستاره‌استعداد و نبوغ‌شان همانند یک الهه طلوع کند.^۱ (Mc Grady, 1899; 255)

ساموئل آگوست میشل در کتاب *جغرافیای مدرسه میشل* به شرح دارایی‌ها و قلمرو رئیس کشور عمان در خلیج فارس و در اواسط قرن نوزدهم می‌پردازد:

امام و یا رئیس عمان چندین کشتی جنگی دارد؛ ملوانان او بهترین ملوانان بو می در شرق هستند؛ علاوه بر قلمروش در عربستان، او دارای زنگبار و جزایر دیگری در سواحل آفریقا و همچنین جزایری در خلیج فارس است (Mitchell, 1850: 285)

چارلز راندال بارنز در کتاب *راهنمای بیوگرافی کتاب مقدس*، بنیانگذاران قبائل رامه^۲ و جوکشان^۳ به وسیله پسران‌شان را یادآور می‌شود و با توضیح قلمروشان از ازدواج فرزندان آن‌ها در مرزهای خلیج فارس به منظور اتحادشان سخن می‌گوید:

نظر عادی نسبت به این بنیانگذاران قبایل (پسر رامه و پسر جوکشان) این است که آن‌ها ابتدا در میان پسران کوش^۴ و هر جا که ایشان را قرار می‌دادند و سپس در مرزهای سوریه، در حدود قلمرو ادوم مستقر می‌شدند. اما جسنیوس^۵ و وینر^۶ یادآوری کرده‌اند که نام این‌ها ممکن است برای یک قبیله مورد استفاده قرار گرفته باشد و این ممکن است به عنوان احتمالی بر این فرض باشد که فرزندان کتوراه^۷ با فرزندان کوش، به منظور اتحاد، احتمالاً در مرزهای خلیج فارس ازدواج کرده‌باشند (Barnes, 1884: 123).

هم او در مورد ددان^۸، فرزند رامه چنین می‌گوید:

^۱. منظوری این بوده که به این درجه از تمدن برسند

^۲. Raamah

^۳. Jokshan

^۴. Cush

^۵. Gesenius

^۶. Winer

^۷. Keturah

^۸. Dedan

ددان، پسر رامه در سواحل خلیج فارس مستقر شد و پسرانش در قالب بازرگان میان آن سواحل و فلسطین با کاروان تجارت می‌کردند (Barnes, 1884: 123).

و نیز از قبیله رامه و محل زندگی او در خلیج فارس، این تصویر را ارائه می‌دهد: قبیله رامه به عنوان تجار معروف شدند؛ از زیستگاه وی در سواحل خلیج فارس، چندین نشانه وجود دارد؛ آثار حضور ددان در این ناحیه بسیار ضعیف است؛ اما به نظر می‌رسد که رامه، بر رگما^۱ حاکم بوده است؛ (Barnes, 1884: 443)

بارنز در کتاب خود از اسار حدّون^۲، یکی از پادشاهان آشور باستان و قلمرو فرمانروایی او در خلیج فارس یاد می‌کند و در مورد او می‌گوید:

از اسار حدّون واقعا هیچ چیزی تا زمان جلوسش (حدود ۶۸۰ قبل از میلاد) شناخته شده نیست و به نظر می‌رسد بی‌سروصدا و بدون هیچ مشکلی بر تخت نشست. به واسطه آثار بازمانده از او، به نظر می‌رسد که اگر نه قدرتمندترین، اما یکی از قدرتمندترین پادشاهان آشوری بوده است؛ او قدرتش را بر همه آسیا بین خلیج فارس، کوه‌های ارمنی و مدیترانه گسترش داد (Barnes, 1884: 157).

نام‌ها

برخی از اسامی تاریخی که توسط بعضی ذکر گردیده و هر یک به نحوی به خلیج فارس هم مربوط شده‌اند، دارای اهمیت هستند. اشتون آکسین دن^۳ و توماس گاتری^۴ در کتاب مردان بزرگ خدا از ابراهیم پیامبر می‌گویند:

خانه اولیه ابراهیم پیامبر، در اور^۵، در سمت راست فرات و در نزدیکی دماغه باستانی

خلیج فارس بود (Oxenden, Guthrie, 1876: 18).

1. Regma

2. Esar-haddon

3. Ashton Oxenden

4. Thomas Guthrie

5. Ur: <https://www.britannica.com/place/Ur>

اور در عراق امروزی، تل‌المقیر، شهر مهمی از جنوب باختری بین‌النهرین باستانی (سومر)، در حدود ۱۴۰ مایلی (۲۲۵ کیلومتری) جنوب شرقی بابل و حدود ۱۰ مایلی (۱۶ کیلومتری) غرب بستر کنونی رود فرات است.

خلیج فارس در برشی تاریخی از کتاب های قرن ۱۹ میلادی کتابخانه کنگره آمریکا □ ۶۳

جان کیتو^۱ و الوان بوند^۲ در کتاب *تاریخ مصور کتاب مقدس* از اسماعیل (فرزند حضرت ابراهیم پیامبر)، مادرش، ازدواج او و نواحی استقرار فرزندان او از جمله در بخش شرقی خلیج فارس می گوید:

زمانی که اسماعیل به بلوغ رسید، مادرش که مصری بود، او را به ازدواج زنی از کشور خودش درآورد؛ او از این زن دوازده پسر داشت که پسرانش در نواحی آن کشور بین هویلا^۳ و شور^۴ قرار گرفتند، یعنی در بخش های مختلف پایتخت عربستان، بخش غربی مصر جایی که در کتاب مقدس شور نامیده می شده و بخش شرقی، به سمت خلیج فارس که هویلا بوده است. (Kitto, Bond, 1868: 81)

آن ها همچنین از سلیمان^۵ نبی می گویند که در روزگار حکومت خود، خلیج فارس را هم تحت سلطه خویش داشته است:

عبرانیان^۶، از دریای مدیترانه و فنیقی ها^۷ تا فرات، در مرزهای نزدیک تر و دورتر از خود - از رودخانه مصر و خلیج الانیتیک^۸ تا بریتوس^۹، حمات^{۱۰} و تاپساکوس^{۱۱} همه غیر از قبایل بادیه گرد شمال عربستان، در شرق تا خلیج فارس، تحت سلطه سلیمان قرار داشتند؛ (Kitto, Bond, 1868: 317).

و گریس اگیولار^{۱۲} در کتاب *زنان اسرائیل* از ایزیتس^{۱۳} فرزند هلنا^{۱۴}، ملکه آشوری (۵۶ - ۵۰ قبل از میلاد) که برای تحصیل به ابینه در خلیج فارس فرستاده شد، سخن می گوید:

ایزیتس، پسر هلنا، توسط پدرش، مونوبازوس^{۱۵} برای تحصیل به بارگاه عبینه ریک^{۱۶} پادشاه کاراسن^{۱۷}، که در خلیج فارس مکانی متمایز است، فرستاده شد. (Aguilar, 1888: 246)

1. John Kitto

2. Alvan Bond

3. Havilah

4. Shur

5. Solomon: <https://en.wikipedia.org/wiki/Solomon>;

او (سلیمان نبی) در عقل، ثروت و قدرت بیش از همه پادشاهان پیشین بود.

6. Hebrews

7. Phoenicians

8. Elanitic

9. Berytus

10. Hamath

11. Thapsacus

12. Grace Aguilar

13. Izates

14. Helena: https://en.wikipedia.org/wiki/Helena_of_Adiabene;

هلنا، ملکه آشور بین سال های ۵۰ تا ۵۶ پس از میلاد بود.

15. Monobazus

16. Abenerig

17. Characene

رودخانه‌های دجله و فرات

همچنان که برخی از اسامی تاریخی هر یک به نحوی به خلیج‌فارس ربط یافته‌اند، برخی از رودهای تاریخی هم همراه با خلیج‌فارس زندگی کرده، جاری شده و سرانجام به او پیوسته و در طول تاریخ در آغوشش آرام گرفته‌اند؛ دجله و فرات هر دو از رودهای بزرگ و تاریخی هستند که یکی از قدیمی‌ترین تمدن‌های جهان به نام بین‌النهرین را با خود داشته، سرانجام راهشان با هم یکی شده و در نهایت به خلیج‌فارس پیوسته‌اند؛ از همین رو بوده که در منابع مختلف تاریخی و جغرافیایی، هر گاه از این دو رود نامی به میان آمده، متناسب با موضوع، نامی از خلیج‌فارس هم به میان آمده است؛

جان کیتو و الوان بوند در کتاب *تاریخ مصور کتاب مقدس خود از واریز دجله و فرات به خلیج‌فارس می‌گویند:*

فرات و دجله قبل از ورود به مناطق سرسبز به هم می‌پیوستند و پس از ترک این مناطق دوباره جدا و به خلیج‌فارس وارد می‌شدند. (Kitto, Bond, 1868: 48)

هنری مک کورمیک، در کتاب *کار عملی در جغرافیا*، فرات را که به خلیج‌فارس می‌ریزد، به این صورت تصویر می‌کند:

فرات رودخانه اصلی آسیای مرکزی ترکیه، تا نزدیکی کوه آرات بالا می‌رود و به خلیج‌فارس می‌ریزد. (McCormick, 1885: 111)

هم او در همان کتاب، از شکل‌گیری شط‌العرب و ریزشش به خلیج‌فارس می‌گوید: شط‌العرب، رودخانه‌ای است که از برخورد دجله و فرات تشکیل شده و به انتهای شمالی خلیج‌فارس می‌ریزد (McCormick, 1885: 280).

و نیز عبارت آرتور کانون دوایل^۱ در کتاب *کارهای رافلز هو* نشان می‌دهد که فرات به خلیج‌فارس می‌ریزد:

مبادرت به حرکت مختصری بین بیروت در دریای مدیترانه و آب‌های فوقانی فرات، ما را به خلیج‌فارس هدایت می‌کند (Doyle 1891: 75).

^۱. Arthur Conan Doyle

خلیج فارس در برشی تاریخی از کتاب های قرن ۱۹ میلادی کتابخانه کنگره آمریکا □ ۶۵

جان دانکن کواکن باش^۱ در کتاب *تاریخ مصور ادبیات باستانی، شرقی و کلاسیک*، بر اساس نامه‌های ترجمه‌شده از خط میخی، از محو کلدی یا بابل توسط خلیج فارس و رودخانه‌های دجله و فرات می‌گوید:

شمال خلیج فارس و بخش متمایز شده با رودخانه‌های فرات و دجله، کلدی یا بابل را محو کرده‌اند؛ در اینجا قدیمی‌ترین شهرها در میان جمعیت عمدتاً تورانی^۲ و سامی^۳، با اختلاطی محدود از عنصر آریایی، سر برآوردند (Quackenbos, 1890: 104).

در عین حال، اگر چه در نتیجه مواردی که ذکر شد، دجله و فرات به هم می‌پیوسته و به خلیج فارس می‌ریخته‌اند، اما توماس مک‌گرادی در کتاب *دو پادشاهی*، نظر دیگری را هم مطرح کرده است:

با وجود اینکه فرات و دجله قبل از رسیدن به خلیج فارس به هم می‌پیوندند، اما این حالت در عصر دور چنین نبوده است؛ برای سرلشکر رنل^۴ ثابت شده است که حتی در دوره اسکندر کبیر^۵، دو رودخانه کاملاً متمایز بوده و هیچ تلفیقی آن‌گونه که در دوره دیگری بوده، وجود نداشته است. (Mc Grady, 1899: 48)

وی در ادامه و در همان کتاب به نقل از سرلشکر رنل می‌گوید:

همانطور که دیده ایم، قبل از زمان اسکندر کبیر، دجله و فرات ارتباطی نداشته، اما کانال‌های جداگانه‌ای را در قلمرو خود از شمال به جنوب در برمی‌گرفته‌اند؛ ممکن است این جریان‌ها با تکان‌های فرضی زلزله که در لایه‌ها به وجود آمده، تغییر یافته باشند و قبل از ایجاد خلیج فارس، دجله و فرات ممکن است به سوی دریا‌های سیاه و خزر جریان یافته و به داخل کی‌زیل^۶ و ارس^۷ منشعب شده باشند (Mc Grady, 1899: 58).

ذکر این دیدگاه همچنان که در آغاز این بحث یادآوری شد، به خاطر نقش همراهی خلیج فارس و دجله و فرات در طول تاریخ بوده است. توماس مور هم در کتاب *لاله رخ یا رمان شرقی* موردی را ذکر می‌کند که نشان دهنده همراهی تاریخی خلیج فارس و دجله است:

1. John Duncan Quackenbos

2. Turanian

3. Semitic

4. Major Rennel

5. Alexander the Great

6. kizil

7. Aras

رشته کوه‌هایی که اکنون مرز امپراتوری‌های فارس و ترکیه را تشکیل می‌دهند، به موازات رودخانه دجله و خلیج فارس ادامه می‌یافتند و در مجاورت گمبرون (هارموزیا)^۱ تقریباً ناپدید می‌گشتند. به نظر می‌رسد بار دیگر از مناطق جنوبی کرمان سر بر می‌آوردند و پس از گذر از یک خط سیر شرقی از طریق مرکز مکران^۲ و بلوچستان به‌طور کامل در بیابان‌های سند گم می‌شدند (Moore, 1890: 249).

ادبیات

اما فقط این شهرها، تمدن‌ها، نام‌های تاریخی، رودخانه‌ها و خلاصه تاریخ و جغرافیا نبوده که با خلیج فارس جاری شده‌اند، بلکه این خلیج از دیرباز در شعر و ادبیات کهن جهان نیز جاری گردیده و درون شعرا و نویسندگان بسیاری را به خود مشغول داشته است؛ مثال‌هایی که در راستای این پژوهش بوده‌اند، از این قرار هستند:

جان دانکن کواکن باش در کتاب *تاریخ مصور ادبیات باستانی، شرقی و کلاسیک خود*، با توصیف هومر^۳، معتقد است که اشعار آریایی غرب خلیج فارس بیشترین بخش آثار او را شکل می‌دهند:

قدیمی‌ترین تولیدات ادبی باستانی یونانی، اشعار هومر هستند که بیشترین آثار تاریخی باستانی از اشعار آریایی غرب خلیج فارس را در خود دارند (Quackenbos, 1890: 139).

علاوه بر او، توماس مور در کتاب *لاله رخ یا رمان شرقی*، شاعرانه و با احساساتی شرقی، آهنگین و خیالی، پیشکش ذهن خود را به گلی در جزیره کیش^۴ می‌سپارد:

پیاله‌های نقره‌ای استوار، پر شده از شراب طلایی کیش و اشک‌های خونین انگور شیراز؛ لب‌های بسته‌اش را محتاطانه از این همه پیش‌کش، مانند هر قطره‌ای که به سر می‌کشند، پر کرد و شبیه چشمه با افتخار زمزم، توانست خواص روح را به گلی در جزیره‌ای در خلیج فارس ببخشد و برای شراب سفیدش جشن بگیرد (Moore, 1890: 63).

و هم او از آفریده ذهنی شاعرانه‌ای می‌گوید که به وصل سواحل خلیج فارس نمی‌رسد:

1. Gomberoon (Harmozia)

2. Meckraun

3. Homer

4.

کوهستانی که آفریده خودم به عنوان زنجیره شگفت‌انگیزی است در تصورم، زنجیرواره ای در دوردست ترهاست که به تمامی، به وصل سواحل خلیج فارس نمی‌رسد (Moore, 1890: 249). اما در یک اثر ادبی بزرگ که یکی از رمان‌های برتر جهان نام گرفته، هرمان ملویل^۱ در کتاب *موبی دیک* یا *نهنگ سفید*، از خلیج فارس هم نام می‌برد. او که در پی نهنگی است که کشتی او را غرق و یک پایش را قطع کرده است، هر دریا و خلیجی ذهنش را مشغول کرده و همراه با ملوانان خود در صدد انتقام است؛ کتاب او تجربیات شخصی ملویل در دریا و ادبیات شکارچیان وال را به تصویر می‌کشد؛ خلیج فارس در کتاب او چنین جای گرفته است:

اگر تصادفاً نهنگ سفید، استراحتش را در دریاهایی دورتر از مکان‌های تغذیه دوره‌ای خودش بگذراند، پس از آن باید چهره پر چینش را از خلیج فارس یا خلیج بنگال یا دریاهای چین و یا هر یک از آب‌های دیگری که در گردشش رفت و آمد می‌کرده، بگرداند و باز گردد. (Melville, 1892: 191). آنچه گذشت، موقعیتی از خلیج فارس در آثار گوناگونی بود که هر یک به طریقی در طول تاریخ او را همراهی کرده یا او به روشی، آن‌ها را به خود خوانده و همراهشان شده است. اما بخش اصلی که هدف آن، ارزیابی و بررسی موقعیت خلیج فارس در رفتار با مناطق دریایی و جغرافیایی دیگر مناطق از جمله دریای عرب، دریای سرخ، خلیج عربی و نیز ارتباط بین این مناطق دریایی است، به این صورت ادامه می‌یابد:

خلیج فارس و دریای عرب

منابع گوناگون به صورت مکرر از خلیج فارس و دریای عرب^۲ به علت همجواری که داشته، در کنار هم نام برده و هرگاه به توضیح موقعیت یکی پرداخته، الزاماً موقعیت دیگری را هم مورد بحث قرار داده‌اند. توماس تی اسمیلی^۳ در کتاب *مقدمه‌ای ساده بر مطالعه جغرافیا* از مرزهای پارس چنین می‌گوید:

¹. Herman Melville

². https://en.wikipedia.org/wiki/Arabian_Sea;

دریای عرب با عنوان دریای عمان هم شناخته می‌شود؛ منطقه‌ای از شمال اقیانوس هند است که در شمال به پاکستان و ایران، در غرب به شمال شرقی سومالی و شبه جزیره عربستان و در شرق به هندوستان محدود می‌گردد؛ از نظر تاریخی، این دریا با نام‌های دیگری از جمله دریای اریتره و دریای پارس هم شناخته شده است.

³. Thomas T Smiley

مرزهای پارس: از شمال به روسیه آسیایی، دریای خزر و تارتاری^۱ مستقل، از شرق به هندوستان، از جنوب به دریای عرب و خلیج فارس و از غرب به ترکیه محدود گردیده است؛ خلیج فارس در امتداد مرز جنوب غربی گسترش یافته است (Smiley, 1823: 194)

ویلیام وارن در کتاب *دیدگاه سیستمی جغرافیا، موقعیت خلیج فارس را این گونه بیان می کند:*

خلیج فارس، بین فارس و عربستان قرار دارد و به دریای عرب متصل می شود (Warren, 1843: 19)

هنری مک کورمیک، در کتاب *کار عملی در جغرافیا*، آنجا که به شرح موقعیت آب و هوایی و تجارت منطقه می پردازد و وضعیت پرسیا را بیان می کند، به خلیج فارس و دریای عرب هم اشاره دارد:

پرسیا، کشوری در جنوب غربی آسیا و عمدتاً در فلات بزرگ ایران واقع شده است. در ارتفاع بالایی آن، بخش بزرگی از ایران در فصل زمستان، آب و هوای بسیار سردی دارد، در حالی که سطح پایینی زمین در طول خلیج فارس در تابستان دارای آب و هوایی بسیار گرم است. در ایران هیچ رودخانه بااهمیتی وجود ندارد و کمبود آب یکی از مشکلات بزرگ برای رونق کشور است. تجارت ایران بسیار قابل توجه است و عمدتاً بر پشت شترها انجام می شود. تنگه هرمز،^۲ خلیج فارس و دریای عرب را به هم متصل می کند (McCormick, 1885: 110).

و نیز توماس مک گرادی در کتاب *دو پادشاهی خود اعلام می کند که از نظر برخی، عدن در نزدیکی خلیج فارس است:*

کالوین^۳، هوت^۴، بوچارت^۵، ولز^۶ و نویسندگان مرتبط دیگر، به این نتیجه رسیده اند که عدن در بابل و در نزدیکی خلیج فارس قرار داشته است (Mc Grady, 1899: 47).

اما هم او با استفاده از کتاب مقدس و به قول خودش در روایتی اسرارآمیز با تلفیق تئوری و روایت، از شکل گیری خلیج فارس و وابستگی این شکل گیری به دریای عرب می گوید:

احتمال دارد که یک زمین لرزه، خشم خدا را نسبت به خیانت و نادانی انسان اعلام کرده و در این حادثه قدرتمند، عدن در زیر سطحی عمیق غرق شده و موج هایی که از دریای عرب

¹. Tartary: <https://en.wikipedia.org/wiki/Tartary>;

تارتاری یا تارتاریای بزرگ، نامی است که از قرون وسطی تا قرن بیستم برای منطقه وسیع آسیای شمالی و مرکزی از دریای خزر و کوه های اورال تا اقیانوس آرام استفاده شده است؛

². Ormuz
³. Calvin
⁴. Huet
⁵. Bochart
⁶. Wells

خلیج فارس در برشی تاریخی از کتاب های قرن ۱۹ میلادی کتابخانه کنگره آمریکا □ ۶۹

سرازیر گردیده، فرورفتگی ها را پر کرده و آنچه که امروزه به عنوان خلیج فارس شناخته می شود، شکل گرفته باشد. (Mc Grady, 1899: 57)

وی در همان کتاب در شکل گیری خلیج فارس، نظری دیگر را به این صورت مطرح می کند: با بررسی نقشه، مشاهده می شود که دو رودخانه کی زیل و ارس از نزدیکی مبدا دجله و فرات سرچشمه گرفته اند. عدن با غرق شدن، موجب فرورفتگی شدیدی در سطح خود شده که به گسترش دریای عرب منجر گردیده است. می توان مشاهده کرد که استمرار دجله و فرات با فرورفتگی از بین رفته، بخش شمالی این جریان ها به طور معمول ادامه پیدا کرده و کی زیل و ارس را شکل داده است؛ بخش های جنوبی مسیر خود را تغییر داده و دوباره به بدنه تازه ایجاد شده آبی که امروز به عنوان خلیج فارس شناخته می شود، جریان پیدا کرده اند (Mc Grady, 1899: 58).

او علاوه بر این، نظر مهم تاریخی - باستانی دیگری را هم در مورد باغ های عدن و خلیج فارس مطرح می نماید که پذیرش آن موجب پذیرش این نظریه می شود که باغ های تاریخی و بهشتی مذکور در خلیج فارس قرار داشته اند:

اگر این نظریه را بپذیریم که عدن در زیر آب فرورفته است، مجبور می شویم بپذیریم که خلیج فارس در حال حاضر موقعیت باغ های باستانی را در برمی گیرد؛ زیرا خلیج فارس تنها بخش آبی در مجاورت رودخانه هایی است که اغلب در ارتباط با بهشت ذکر شده اند (Mc Grady, 1899: 62).

خلیج فارس و دریای سرخ

خلیج فارس و دریای سرخ در بسیاری از منابع به ویژه منابع تاریخی و جغرافیایی مورد بحث بوده و از آن به طور همزمان، در کنار هم و به عنوان نواحی جغرافیایی مستقل و مجزا یاد شده است؛ به عنوان نمونه، توماس مک گرادی در کتاب دو پادشاهی با ذکر پیشینه باستانی نواحی جغرافیایی منطقه، در این مورد یادآور می شود که:

مناطق جغرافیایی قدیمی که تماما دریای جنوبی نامیده شده اند، شامل خلیج فارس و دریای سرخ می شود (Mc Grady, 1899: 48).

به ویژه وقتی موقعیت جغرافیایی عربستان مطرح شده، بارها این خلیج و دریا، همزمان در مباحث مشترک ذکر گردیده اند؛ از جمله توماس اسمیلی در کتاب مقدمه ای ساده بر مطالعه جغرافیا، مرزهای عربستان را به این صورت ترسیم می کند:

مرزهای عربستان: از شمال به ترکیه و مدیترانه، از شرق به ترکیه و خلیج فارس، از جنوب به دریای عرب و از غرب به کانال سوئز و دریای سرخ، محدود شده است (Smiley, 1823: 191). علاوه بر او، سאלات جس اولنی در کتاب یک سیستم عملی از جغرافیای مدرن به این شرح: چه کوهی در نزدیکی انتهای شمالی دریای سرخ است؟ چه جایی در خلیج فارس است؟ سه شهر در دریای عرب کدامند؟ سه شهر در دریای سرخ کدامند؟ (Olney, 1830: 178) و نیز پرسش‌های رزول اسمیت در کتاب جغرافیای اسمیت، هنگامی که می‌خواهد وضعیت جغرافیایی عربستان را نشان دهد:

چه چیزی بخش بزرگی از عربستان را از آفریقا جدا می‌کند؟ دو مرز خلیجی عربستان چه هستند؟ سه مرز دریایی عربستان چه هستند؟ در مرزهای عربستان، چه تنگه و کانالی قرار دارد؟ در حوزه کانال سوئز، چه شهری وجود دارد؟ چه کوهی در نزدیکی دریای سرخ و چه شهری در خلیج فارس وجود دارد؟ (Smith, 1836: 223) همچنین تشریح موقعیت عربستان توسط ساموئل گودریچ در کتاب تاریخ مدرسه عمومی پیتربارلی، به این شکل:

عربستان از چندین ایالت یا ملل مختلف تشکیل شده است. کل کشور در شمال به فلسطین و بین‌النهرین، در شرق به خلیج فارس و میوس هورموس^۱، در جنوب به اقیانوس هند و در غرب به دریای سرخ محدود شده است. (Goodrich, 1851: 21) همه نشان از این دارند که خلیج فارس و دریای سرخ دو ناحیه جغرافیایی با مرزها و موقعیت‌های متفاوت ارضی هستند و بدیهی‌تر از همه این‌ها، این پرسش آگوست میشل در کتاب جغرافیای مدرسه میشل است، وقتی از شبه جزیره بین خلیج فارس و دریای سرخ سؤال می‌کند که: دو رودخانه‌ای که به هم می‌پیوندند و به خلیج فارس می‌ریزند، چه هستند؟ چه شبه جزیره‌ای بین خلیج فارس و دریای سرخ قرار دارد؟ (Mitchell, 1850: 67) و نیز این پرسش او از تقسیمات دریایی در همان کتاب:

چه تقسیماتی در دریای سرخ قرار می‌گیرند؟ چه تقسیماتی در دریای عرب قرار می‌گیرند؟ چه تقسیماتی در خلیج فارس قرار می‌گیرند؟ طول دریای سرخ چقدر است؟ طول خلیج فارس چقدر است؟ (Mitchell, 1850: 285)

^۱. Myos Hormos

که به وضوح موقعیت عربستان بین خلیج فارس و دریای سرخ و نیز جدایی آن‌ها از یکدیگر را نشان می‌دهد.

علاوه بر همه این‌ها، به این موارد نیز توجه شود که وقتی جان کیتو و الوان بوند در کتاب *تاریخ مصور کتاب مقدس*، موقعیت تجاری منطقه را تشریح می‌کنند، به این نکته اشاره دارند که: تمام تجارت دریایی با شرق آسیا، سواحل جنوبی شبه جزیره عربستان، سواحل خلیج فارس و بدون شک برخی از نقاط هند به دریای سرخ وارد و به الاث^۱ و ازیون جبر^۲ آورده می‌شدند و این تنها راه رفت و آمد زمینی نبود که توجه سلیمان را به خود جلب کرد. توجه او به تجارت وسیع و ارزشمند کاروانی که از دوران بسیار دور، از شرق دورتر و خلیج فارس می‌آمد و به مصر، تایر^۳ و سایر نقاط در دریای مدیترانه تا فرات و در سراسر صحرای سوریه بزرگ ادامه می‌یافت، جلب شد. (Kitto, Bond, 1868: 330)

و نیز وقتی ژولیا مک نایر رایت^۴ در کتاب *نورها و سایه‌های داستان مقدس از زندگی نوح پیامبر می‌گوید*، موقعیت سام فرزند بزرگ او را چنین تشریح می‌کند:

سام-فرزند بزرگ نوح پیامبر- و خانواده اش در بین‌النهرین مستقر شدند و قلمروشان را از دریای سرخ تا امتداد سواحل خلیج عدن و خلیج فارس گسترش دادند (Wright, 1875: 64-65). جی وسلی وان در ورت، در شرح دریاها در کتاب *دنیای آب خود به دریای سرخ و خلیج فارس هم اشاره دارد*:

مرجان سرخ در دریای سرخ، خلیج فارس، مسینا^۵، تنگه داردانل^۶ و چند مکان دیگر یافت می‌شود (Van Dervoort, 1883: 85).

همه این موارد نیز از موقعیت جداگانه این خلیج و دریا حکایت دارند؛ مورد جالب دیگری نیز از این قرار است که هرمان ملویل در کتاب *موبی دیک یا نهنگ سپید* از جلسه ناخدای کشتی با صیادان نهنگ در مورد موقعیت نهنگ سپید در دریا می‌گوید؛ او پس از اینکه هر کس نظرش را می‌دهد، می‌گوید:

1. Elath

2. Ezion-geber

3. Tyre

4. Julia McNair Wright

5. Messina

6. Dardanelles

این‌که نهنگ سپید ممکن است از راه کیپ^۱ طی طریق کند امید خوبی است، اما از عبور از تمام طول مدیترانه و عبور دیگری از خلیج فارس و دریای سرخ صحبت نکنید، چنین فرضیه‌ای شامل سفری کامل به تمام آفریقا در سه روز است. از آبهای دجله در نزدیکی محل نینوا هم صحبت نکنید، زیرا این قدر کم عمق است که هیچ نهنگی نمی‌تواند در آن شنا کند (Melville, 1892: 345).

ملاحظه می‌شود که از خلیج فارس و دریای سرخ در آثار ادبی جهان هم به عنوان دو منطقه جغرافیایی مستقل یاد شده است.

خلیج عربی و دریای سرخ، منطقه جغرافیایی واحد

جان هلند، در بخشی از کتاب *طرحی از جغرافیای باستانی*، از یکی از ملکه‌های مصر باستان سخن می‌گوید:

بری نایس^۲، در شاخه شمال شرقی "خلیج عربی یا دریای سرخ"، ایستاد (Holland, 1814: 35) وی وقتی از نام‌های جدید و قدیمی دریاها، خلیج‌ها و تنگه‌ها یاد می‌کند، نام جدید سینوس عربیکوس^۳ را "خلیج عربی یا دریای سرخ" می‌نامد (Holland, 1814: 68) علاوه بر این، سارا ال‌هال در کتاب *مکالمات در کتاب مقدس*، از دریای سرخ و خلیج عربی چنین یاد می‌کند:

گفته می‌شود که "دریای سرخ یا خلیج عربی"، نامش را از ادوم یا اسو^۴ که حاکی از قرمز است و به علت این که جانشینان او در مرزهای این ناحیه ساکن شدند، گرفته است (Hall, 1827: 54) در همین کتاب، وقتی در یک گفتگو از نامی دریایی که مورد بحث است، سؤال می‌شود، این پاسخ ارائه می‌گردد که:

دریایی که در اینجا از آن صحبت می‌شود، دریای سرخ یا خلیج عربی است (هال، ۱۸۲۷):

(Hall, 1827: 84) (۸۴)

¹. [https://en.wikipedia.org/wiki/Cape_\(geography\)](https://en.wikipedia.org/wiki/Cape_(geography));

در جغرافیا، کیپ، دماغه یا یک برآمدگی با ابعادی بزرگ است که معمولاً به درون آب یا دریا توسعه یافته و نشان‌دهنده تغییری مشخص در روند خط ساحلی است.

². Berenice; <https://en.oxforddictionaries.com/definition/us/berenice>

ملکه مصر، (قرن سوم پیش از میلاد) همسر بطلمیوس سوم؛ او گیسوهای خود را برای بازگشت سالم شوهرش از یک اردوکنشی جنگی، پیشکش نمود. بر طبق افسانه‌ها، گیسوهای او به سرقت رفت و در آسمان قرار گرفت و یک صورت فلکی (گیسوی برینایس)، به نام او نامگذاری شده است.

³. Sinus Arabicus

⁴. Edom or Esau

همچنان که ملاحظه می شود، در همه این موارد، از دریای سرخ و خلیج عربی به صورت "دریای سرخ یا خلیج عربی" استفاده شده که نشان دهنده موقعیت جغرافیایی واحدی است؛ علاوه بر این ها، در بخشی از سفرنامه‌ای شاعرانه در کتاب *داستان‌هایی از شاعران ایتالیایی* آمده است: برای کوتاه‌تر کردن سفر، راه نوبیا^۱ را در پیش گرفت و خلیج عربی را با نسیمی مطبوع، به خوبی سفر در روز، با سفر در شب طی کرد و در صبحی دلپذیر به بابلون^۲ رسید (هانت و دیگران، ۱۸۴۶: ۲۷۹-۲۷۸).

طبق آنچه در دانشنامه بریتانیکا در مورد نوبیا آمده است:

نوبیا، منطقه‌ای باستانی در شمال شرقی آفریقا است که تقریباً از دره رود نیل (در نزدیکی اولین آبشار بزرگ در مصر بالا) یعنی از شرق تا سواحل دریای سرخ ادامه دارد و از جنوب به سمت خارطوم (در کشوری که در حال حاضر، سودان نام دارد) و از سمت غرب به صحرای لیبی محدود می‌شود.^۳

علاوه بر این، بنا بر آنچه دانشنامه تاریخ باستان در مورد بابلون (بابل) ذکر می‌کند:

بابلون (بابل)، معروف‌ترین شهر از بین‌النهرین باستانی است که ویرانه‌هایش در عراق مدرن امروز و در ۵۹ مایلی (۹۴ کیلومتری) جنوب غربی بغداد قرار دارد. این نام به نظر می‌رسد از *bav-il* یا *bav-ilim* گرفته شده که در زبان اکدایی آن زمان، "دروازه خدا" یا "دروازه خدایان" معنی می‌داد و "بابلون" (بابل) از یونانی می‌آمد^۴

این دو معنی از نوبیا و بابلون یعنی دو شهری که در توصیف بخشی از یک سفر ذکر شده‌اند، مخصوصاً اینکه خلیج عربی در راه نوبیا طی شده و نوبیا طبق آنچه در بریتانیکا آمده تا سواحل دریای سرخ ادامه داشته، به وضوح بیانگر این است که دریای سرخ و خلیج عربی هر دو نشان‌دهنده یک منطقه جغرافیایی واحد هستند؛ در همین راستا، ساموئل آگوست میشل در کتاب **جغرافیای باستانی** خود با اشاره به تصرف دره باریکی از نیل به وسیله مصری‌ها، موقعیت جغرافیایی این کشور را این گونه شرح می‌دهد:

1. Nubia

2. Babylon

3. <https://www.britannica.com/place/Nubia>

4. <https://www.ancient.eu/babylon/>

مصر، دره باریکی از نیل به فاصله ۶۰۰ مایلی از جنوب دریا را تصرف می کند؛ در شمال، مدیترانه و در جنوب، اتیوپی و در شرق، خلیج عربی یا دریای سرخ و در غرب، لیبی و کویر بزرگ است (Mitchell, 1857: 59)

موقعیت شرقی این ناحیه، آن طور که بیان شده، نشان دهنده این است که خلیج عربی و دریای سرخ یک منطقه واحد جغرافیایی را شکل می دهند.

نویسنده در کتاب خود با تمرکز بر نقشه‌ای از مصر، سؤالاتی را مطرح می کند و از جمله: چه دریایی، در شمال و چه خلیج یا دریایی در شرق، مصر را محدود می کند؟ چه بیابانی در غرب قرار دارد؟ چه کشوری در شمال و در طرف مقابل دریای مدیترانه قرار دارد؟ چه کشوری در طرف مقابل خلیج عربی قرار دارد؟ (Mitchell, 1857: 61) چه شهری در رأس خلیج عربی واقع شده است؟ (Mitchell, 1857: 64, 187)

مشاهده می شود که موقعیت خلیج عربی، همجواری با مصر را نشان می دهد. علاوه بر این، خلیج عربی و دریای سرخ در شرق مصر پاسخ‌هایی هستند که با توجه به نقشه، موقعیتی واحد از یک منطقه جغرافیایی را به تصویر می کشند. در منابع از دو بندر دریایی به نام‌های برینایس^۱ و میوس هورموس یاد می شود؛ میشل از این دو بندر این گونه یاد می کند:

برینایس و میوس هورموس، بندرگاه‌های دریایی در خلیج عربی بودند که از تجارت‌شان با هند یاد گردیده است (Mitchell, 1857: 64)

بنا بر آنچه در کتاب **جغرافیای باستانی** آمده، این دو بندرگاه در خلیج عربی واقع شده‌اند، از سویی:

«برینایس، طیف وسیعی از کوه‌ها هستند که در امتداد سواحل آبی آفریقا قرار می گیرند، منطقه را از دره نیل جدا می کنند و در لبه باریکی از ساحل، بین تپه‌ها و دریای سرخ واقع می شوند».^۲

و نیز:

«میوس هورموس، بندری در دریای سرخ است که در حدود قرن ۳ قبل از میلاد توسط پتولمیس^۳ ساخته شد».^۱

^۱. Berenice

^۲. <https://en.wikipedia.org/wiki/Berenice>

^۳. Ptolemies: https://en.wikipedia.org/wiki/Ptolemaic_Kingdom;

خلیج فارس در برشی تاریخی از کتاب های قرن ۱۹ میلادی کتابخانه کنگره آمریکا □ ۷۵

بنابراین خلیج عربی و دریای سرخ، منطقه جغرافیایی واحدی را شکل می دهند و هر دو نام به یک ناحیه اشاره دارند.

جان کیتو و الوان بوند در تاریخ تشریحی کتاب مقدس آورده اند که:

کوش، بزرگترین پسر هام، چند فرزند داشت؛ هاویلاه (یکی از پسران او)، خود را در بخشی از کشور واقع در طول رودخانه پیزون^۲ در جایی که این رودخانه، فرات را ترک می کند و به خلیج عربی می رود، تثبیت نمود (Kitto, Bond, 1868: 64).

موقعیت رودخانه پیزون و آنجا که به خلیج عربی می ریزد، نشان دهنده موقعیت خلیج عربی در غرب عربستان و شرق مصر است و این همان ناحیه ای است که به دریای سرخ هم مشهور است؛ او در همین کتاب از شهر آن^۳، چنین یاد می کنند:

آن، شهری مشهور در مصر بود که بین نیل و خلیج عربی و در حدود بیست مایلی از ممفیس^۴ – کلان شهر پادشاهی – قرار داشت (Kitto, Bond, 1868: 120)

موقعیت جغرافیایی ذکر شده در مورد شهر آن نشان می دهد که خلیج عربی در شرق مصر واقع است و در این صورت با آنچه که در همین ناحیه به عنوان دریای سرخ مشهور هست، یکی است. پسر بزرگتر یوکشان، پسر کتوراه، به وضوح در جایی در عربستان، احتمالاً در ساحل شرقی خلیج عربی قرار گرفت، جایی که فرزندان او به نظر می رسد با سبایی های پیشین شاخه یوکثانی متحد شده بودند (Barnes, 1884: 483)

موقعیت اشاره شده در مورد محل استقرار پسر یوکشان در عربستان، نشان دهنده این است که خلیج عربی در غرب عربستان واقع و همان است که به دریای سرخ نیز مشهور است.

خلیج فارس و خلیج عربی دو منطقه جغرافیایی مستقل

تا کنون اولاً نشان داده شد که خلیج فارس و دریای سرخ دو ناحیه، منطقه و موقعیت جغرافیایی مستقل از هم را شکل می دهند، ثانياً دریای سرخ و خلیج عربی، منطقه ای جغرافیایی و

پادشاه بطلمیوسی در سال ۳۰۵ قبل از میلاد توسط بطلمیوس اول تأسیس شد و او خود را فرعون مصر اعلام نمود و بر سلسله قدرتمند هلنیستی که از جنوب سوریه تا سایرین و از جنوب تا نوبیا گسترش داشت، حکمرانی می کرد؛ در دوره او، اسکندریه تبدیل به پایتخت و مرکز اصلی فرهنگ و تجارت یونان شد.

¹. https://en.wikipedia.org/wiki/Myos_Hormos

². River Pison

³. On city

⁴. Memphis

واحد در غرب عربستان، شرق مصر و بین این دو کشور است و بنابراین خلیج فارس و خلیج عربی دو ناحیه جغرافیایی مستقل و جدا از هم می‌باشند؛ همچنان که ملاحظه شد، نتیجه استدلال مذکور با توجه به مستندات ارائه شده، بدیهی و به دور از هر شبهه‌ای است، اما برای تأییدی بر آن و تأییداتی مضاعف به مواردی در همین راستا اشاره می‌شود:

گفته شد که جان هلند، در کتاب *طرحی از جغرافیای باستانی*، نام جدید سینوس عربیکوس را خلیج عربی یا دریای سرخ می‌نامد، در حالی که برای نام جدید سینوس پرسیکوس، خلیج فارس را ذکر می‌نماید که نشان از دو خلیج جدا و مستقل دارد. علاوه بر این، از اینکه ساموئل آگوست میشل در *جغرافیای باستانی اظهار می‌دارد*:

بخش جنوبی شبه جزیره عربستان در امتداد ساحل خلیج عربی و دریای اریتره قرار دارد
(Mitchell, 1857: 35).

با توجه به موقعیت دریای اریتره در غرب و خلیج فارس در شرق شبه جزیره عربستان، دقت در عبارت میشل، این نکته را به دست می‌دهد که خلیج فارس و خلیج عربی دو ناحیه جغرافیایی مستقل از هم را شکل می‌دهند و نویسنده با توجه به نقشه‌ای که ارائه می‌دهد؛ از موقعیت دریا، خلیج، تنگه و شهرها در منطقه جغرافیایی عربستان سؤال می‌کند، از جمله اینکه:

چه شهرهایی در خلیج عربی قرار دارند؟ چه شهرهایی در دریای اریتره قرار دارند؟ چه شهرهایی در خلیج فارس قرار دارند؟
(Mitchell, 1857: 36)

این سؤالات هم، نشان از سه ناحیه مستقل و دو خلیج جدا، تحت نام‌هایی مستقل دارند.

نتیجه

آنچه خلیج عربی است که هست، انکارشدنی هم نیست؛ منطقه‌ای است که بین شبه جزیره عربستان و شمال شرقی قاره آفریقا قرار دارد و کشورهای عربستان و یمن از غرب و مصر، سودان و اریتره از شرق خود آن را در برگرفته‌اند و به لحاظ منطقه‌ای و اسناد جغرافیایی و تاریخی، نه تنها هرگز نشان‌دهنده ناحیه جنوبی پرسیا یا ایران کنونی نبوده و نیست، بلکه بنابر آنچه گذشت، همان دریای سرخ بوده و هست و آنچه خلیج فارس است و خط دریایی جنوب غربی پرسیا یا ایران کنونی را شکل داده، نیز در منابع مختلف جغرافیایی، تاریخی و ادبی، خلیج فارس بوده و

هست و با وجود اعتبار اسناد موجود هرگز دستخوش نگرش، خواسته‌ها و دسیسه‌های سیاسی نشده و نخواهد شد.

یسنندگان پیشنهاد می‌کنند که دیگر اسناد موجود در همین ارتباط (خلیج فارس) در کتابخانه کنگره آمریکا که مرور مقدماتی آن‌ها حاکی از اهمیت‌شان از جهات مختلف است، بررسی و تحلیل شوند؛^۱ مخصوصاً به همین شیوه، آثار و اسناد سال‌های ۱۹۰۰ تا ۲۰۱۸ میلادی به ویژه کتب سال‌های مذکور، موجود در کتابخانه کنگره، مستقلاً در همین مورد بررسی شوند؛ اگر چه ممکن است شیوه کار در بررسی کتب تکراری به نظر برسد، اما از آنجا که نتایج این مقاله در آثاری بکر و نو و به زبان انگلیسی، مجدداً در تحقیقی دیگر تأیید می‌شود، حائز اهمیت است. علاوه بر این، به لحاظ اهمیت این پیشنهاد، تنها از میان نقشه‌های اسناد مذکور، به دو نقشه اشاره می‌شود: اولین مورد آن از نقشه‌های سی. آی. ای. از خاورمیانه است که به کویت، بحرین، قطر، عمارات عربی متحده، خلیج فارس و عراق پرداخته و در عنوان نقشه و بر روی آن عین عبارت "خلیج فارس"^۲ می‌درخشد،^۳ توجه به این نکته که شورای همکاری خلیج در ۲۵ ماه می سال ۱۹۸۱م. با عنوان "مجلس التعاون لدول الخلیج العربیه" در ریاض اعلام موجودیت کرده^۴ و خلیج فارس را خلیج عربی نامیده است و اینکه نقشه مذکور در سال ۱۹۹۱م. توسط سازمان اطلاعات مرکزی ایالات متحده، یعنی قریب به ۱۰ سال پس از ادعای غیرواقعی، بدون سند و سیاسی شورای مذکور، موقعیت خاورمیانه را به تصویر کشیده و با درج "خلیج فارس" بر آن، این نام را تأیید کرده است، تلاش بیهوده کشورهای مذکور را نشان می‌دهد.

نقشه دوم با نام "نفت و گاز خاور میانه"^۵ توسط همان سازمان در سال ۲۰۰۷ م. تهیه گردیده و ضمن اینکه به لحاظ تحلیلی از اهمیت بسیاری برخوردار است، بر روی آن عین عبارت "خلیج فارس" خود نمایی می‌کند. یعنی قریب به ۲۶ سال پس از ادعای مذکور و اینکه همچنان

۱. مواردی که این اسناد به آن پرداخته و تعداد سندی که در این ارتباط ارائه شده و در دسترسند، از این قرار هستند: روایت‌های شخصی و تاریخ شفاهی (۳۰۸۱)، قانون گذاری (۶۷۹)، صفحات وب (۶۴۴)، کتاب و موارد چاپ شده (۶۱۷)، نشریات دوره‌ای (۵۷۶)، نسخ خطی (۲۸۹)، عکس، چاپ و نقاشی (۸۷)، روزنامه‌ها (۳۶)، فیلم و ویدئو (۳۵)، نقشه (۷)، آرشیو وب سایت (۵)، ضبط صدا (۱) و نرم افزار (۱)؛

۲. Persian Gulf

۳. <https://www.loc.gov/item/91680288/>

۴. https://ar.wikipedia.org/wiki/مجلس_التعاون_لدول_الخلیج_العربیة

۵. <http://hdl.loc.gov/loc.gmd/g7421h.ct002142>

ادعای آن نام واهی و بی اعتبار، در طول همین سال‌ها نیز از سوی آن‌ها استفاده می‌شده، این نام خلیج فارس است که علیرغم کینه‌ورزی‌ها، بر تارک اسناد جهانی می‌درخشد؛ این موارد همه نشان از اهمیت اسنادی دارد که توسط دیگران از کشور ما گردآوری و آرشو شده و مکرر، به‌روز می‌شوند.

منابع و مأخذ

- Aguilar, Grace, 1888, the women of Israel, New York, D. Appleton and company;
- Anonymous, 1855, the romance of travel: comprising adventures in foreign countries and descriptions of manners, customs, and places, Philadelphia, H. C. Peck & Theo. Bliss;
- Barnes, C. R. (Charles Randall), 1884, Hand-book of Bible biography, New York, Phillips & Hunt; Cincinnati, Cranston & Stowe;
- Doyle, Arthur Conan, 1891, the doings of Raffles Haw, New York, J. W. Lovell Company;
- Fowle, William Bentley, 1849, an elementary geography; being also a key to the new series of outline maps, Boston, W. R. Fowle;
- Goodrich, Samuel G, 1851, Peter Parley's common school history, Philadelphia, E. H. Butler;
- Hall, Sarah L, 1827, Conversations on the Bible, Philadelphia, Harrison Hall;
- Headley, P. C, 1868, the court and camp of David, Boston, H. Hoyt;
- Holland, John, 1814, a sketch of ancient geography, for the use of schools, Boston, J. Eliot for F. Nichols;
- Hunt, Leigh, Dante Alighieri, Pulci, Luigi Boiardo, Matteo Maria & Ariosto, Lodovico, 1846, Stories from Italian poets: being a summary in prose of the poems of Dante, Pulci, Boiardo, Ariosto and Tasso; with comments throughout, occasional passages versified, New York, Wiley and Putnam;
- Kitto, John & Bond, Alvan, 1868, an illustrated history of the Holy Bible, Norwich, Conn., H. Bill;
- Mayde, Richard, 1876, the ocean, New York, Dodd, Mead, and company;
- McCormick, Henry, 1885, Practical work in geography, for the use of teachers and advanced pupils, Chicago, A. Flanagan;
- McGrady, Thomas, 1899, the two kingdoms, Cincinnati, J. Berning Printing Co;
- Melville, Herman, 1892, Moby-Dick; or, the white whale, New York, Chicago, United States Book Company;
- Meyer, Balthasar Henry, 1898, a history of early railroad legislation in Wisconsin, Madison, Democrat Printing Company;
- Mitchell, S. Augustus, 1850, Mitchell's School geography, Philadelphia, Thomas, Cowperthwait & co;
- Mitchell, S. Augustus, 1857, Mitchell's ancient geography, Philadelphia, H. Cowperthwait & co;
- Mitchell, S. Augustus, 1863, Mitchell's ancient geography, Philadelphia, E. H. Butler & co;
- Moore, Thomas, 1890, Lalla Rookh: an Oriental romance, New York, Frederick A. Stokes Company;

Niles, Sanford, 1885, Niles's elementary geography including the geography, history and resources of Minnesota, St. Paul, Minn., D. D. Merrill;

Noble, William Francis Pringle, Stanley, Arthur Penrhyn, Oxenden, Ashton, bp&Guthrie, Thomas, 1876, the great men of God, New York, Nelson & Phillips;

Olney, Jesse, 1830, a practical system of modern geography, Hartford, D. F. Robinson;

Olney, Jesse, 1855, Olney's school geography, a practical system of modern geography comprising a view of the present state of the world, New York, Pratt, Woodford, Farmer & Brace; Philadelphia, J. B. Lippincott & co;

Osgood, Frances Sargent Locke, 1858, the poetry of flowers and flowers of poetry, New York, Derby & Jackson;

Patton, William, 1879, Bible principles, Hartford, Conn., J. Betts & Co.; Chicago, Ill., W.M. Farrar;

Quackenbos, John D, 1890, illustrated history of ancient literature, oriental and classical, New York, Harper & brothers;

Smiley, Thomas T, 1823-24, an easy introduction to the study of geography, Philadelphia, Clark & Raser;

Smith, Roswell C, 1836, Smith's geography, Philadelphia, W. Marshall & co, Hartford, D. Burgess & co;

Van Dervoort, J. Wesley, 1883, the water world, New York, Boston [etc.] Union publishing house;

Warren, William, 1843, a systematic view of geography, Portland, W. Hyde;

Wright, Julia McNair, 1875, Lights and shadows of sacred story, Philadelphia, Pa., Cincinnati, Ohio etc. J. C. McCurdy & company;